

مراحل شاخص مشاوره مسيحي
مرحله دوم: گشایش
فصل پنجم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله دوم

فصل پنجم

شکست در مشاوره

آیا مشاوره مسیحی با شکست مواجه می شود؟ البته از جانبی، بله. اما از جانب دیگری ”هیچ وقت“ منظورم این است، که با وجود آنکه امکان دارد مشاور و متقاضی با شکست روبرو شوند، خدا و وعده هایش، هیچ وقت شکست نخواهند خورد، چون چنان که در کلام دیده ایم، خدا فرموده که کلامش هیچ وقت بدون ثمر باز نمی گردد:

اشعیا ۵۵

۱۱: همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود. نزد من بی ثمر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که خواستم بجا خواهد آورد و برای آنچه آن را فرستادم کامران خواهد گردید.

کلام خدا را روح القدس به ثمر می آورد، حتی اگر انتظار یا خواستی که داشته ایم را بجا نیاورده باشد. شاید با اشاره به همین آیه بوده که نویسنده کتاب عبرانیان صحبت از بارانی می کند که بر زمین می بارد و دو نوع محصول مختلف بار می آورد:

عبرانیان ۶

۷: اگر زمینی، بارانی را که بارها بر آن می بارد جذب کند و برای کسانی که به خاطر آنها کشت شده است محصول مفید بار آورد، از خدا برکت می یابد.
۸: اما زمینی که خار و خس بار می آورد، بی ارزش است و در خطر لعنت قرار دارد، و سرانجام نیز سوزانده خواهد شد.

باران یکی است، اما زمینی که در آن بکار برده می شود فرق دارد. البته در این آیات راجع به وعظ کلام و کسانی که با ایمان آن را دریافت می کنند و دیگران که نمی کنند، صحبت شده. مثال آورده شده در خصوص کسانی بود که کلام را تعلیم می دهند و به آن ایمان ندارند، و نهایتاً در زندگی آن را نشان می دهند. هشدار بود به این گونه اشخاص. اما موضوع به متقاضیان نیز مربوط می شود. ممکن است در میان مسیحیان باشند، و از مزایای آن بهرمنند گردند، اما ایمان نمی آورند. وعظ کلام در خصوص این افراد باعث افشای بی ایمانی آن ها می گردد.

این، یکی از مسائلی است که باعث شکست مشاوره می شود. مشاور کلام خدا را ممکن است بطور واضح و با ایمان کافی تعلیم داده باشد، ولی نتیجه ای که حاصل می آورد افشای بی ایمانی متقاضی است. شاید دور از آنچه تصور می کنیم، متقاضیانی که به مشاوره مسیحی روی می آورند، اکثراً ایماندار نیستند. در فرم ”اطلاعات شخصی متقاضی“ می نویسند که نجات را یافت کرده اند، اما، هم خودشان را فریب می دهند، هم مشاور را. ممکن است در مشیت خدا بوده که شکست مشاوره باعث آن گردد که آن ها از این طریق به عیسی مسیح روی آورند. آنچه بی ایمانیشان را مکشوف ساخته ممکن است عدم اجرای تکالیف خانگی باشد (بخاطر آنکه نمی خواسته اند یا به دلیلی نمی توانسته اند). وقتی مشاور، موانعی که باعث عدم اجرای آن ها شده را تفحص می کند، ممکن است به این واقعیت مهم که ایمان ندارند، روبرو شود. اهمیتی که دارد تغییری است که در مسیر مشاوره ایجاد می کند. جلسات مشاوره تبدیل به جلسات بشارت می

گردند. اما مشاور مسیحی خدمتش میان افرادی است که دوران "پاکسازی" زندگی مسیحی را می گذرانند، و بی ایمانان توانائی آن را در خود ندارند.

تیتوس ۱

۱: از پولس، خادم خدا و رسول عیسی مسیح، در خدمت ایمان برگزیدگان خدا و شناخت آن حقیقت که موجد دینداری است،

در جای دیگری می خوانیم:

رومیان ۸

۸: و کسانی که در حاکمیت نفس هستند، نمی توانند خدا را خشنود سازند.

در این صورت، می توانیم بگوئیم که شکست ما، مایه پیروزی خدا است، و به طریق افشای نیازی که متقاضی به نجات دارد صورت گرفته است. و اگر ایمان بی آورد، ممکن است خدا از مشاوره شما نیز به این شکل استفاده کرده باشد. اگر چنین پیش آید، از عمده "گشایش" هائی خواهد بود که در راه خدا، و از طریق مشاوره شما، در متقاضی به ثمر رسید است.

اما متاسفانه، همه کسانی که بدون ایمان به مشاوره رجوع می کنند، ایمان نمی آورند. بسیاری پشت به عیسی می کنند و زندگی دنیوی را برای خود ترجیح می دهند. بطوری که قبلاً اشاره شد، از جانبی مشاوره (یا مشاور) با شکست روبرو شد چون در آغاز (بخاطر تکیه بر ایماندار بودن متقاضی) راه حل مسائل را پیش گرفت و به نتیجه نرسید. این موضوع را نمی توان انکار کرد چون متقاضی خود را ایماندار و عضو کلیسائی که به کلام خدا ایمان دارد معرفی کرده بود(۱). بله می توان گفت که از لحاظ اهداف اولیه، مشاوره با شکست روبرو شد؛ اما، از جانب خدا و حذف او، پیروزی همراه بود (چون بی ایمان بودن متقاضی را افشا نمود و بنیاد ایمان به خدا را بنا ساخت). و اگر متقاضی ایمان آورد، مسئله اصلی او حل خواهد گشت. در نتیجه امکان دارد شکست تبدیل به پیروزی نیز بگردد. این همان کاری نبود که خدا از طریق عیسی مسیح بر روی صلیب انجام داد؟ آیا آنچه بنظر بزرگترین فاجعه روی زمین بنظر می رسید تبدیل به موفقیت بی نظیر نگردید؟ خدا در کار تعویض فاجعه و مصیبت، با پیروزی است. و او غالباً در جریان مشاوره مسیحی این کار را انجام می دهد (خدا را شکر). اگر با مشاوران مسیحی دیگر صحبت کنید، متوجه کثرت متقاضیانی که نیاز به بشارت داشته اند خواهید شد.

اما، بطوری که قبلاً گفتیم، همه کسانی که نیازمند ایمان به عیسی مسیح هستند، نجات را قبول نمی کنند. در حقیقت می توان گفت که اکثراً آن را قبول نمی کنند. و این اشخاص نیز اکثراً به دیگران خواهند گفت که مشاوره شما فایده ندارد، و مشاوره مسیحی اطلاق وقت می باشد، و غیره. شما نخواهید توانست آنها را راضی کنید که چون حقیقت را تحریف کردند و نمی توانستند آنچه خواستشان بود را از طریق مشاوره شما بدست آورند، به این دلیل شکست خوردند. شما مجبورید با چنین حرف های نادرست بسازید، چون خدا می گوید که بی ایمانان توانائی جذب حقایق او را ندارند:

اول قرن‌تینان ۲

۱۴: اما انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا در نظرش جهالت است، و قادر به درکشان نیست، چرا که قضاوت درست درباره آنها تنها از دیدگاهی روحانی میسر است.

ولی در این میان، مسئولیتی نیز بر دوش شما گذاشته می‌شود. شما باید کلیسای او (مشایخ) را از آنچه پدید آمده خبردار کنید، تا او را یا نزد عیسی مسیح آورند، یا اگر قبول نکرد، از کلیسای خود اخراج کنند.

زمانی نیز پیش می‌آید که بی‌ایمانی متقاضی مورد شک قرار می‌گیرد، ولی محرز (ثابت) نمی‌گردد (۲). در چنین صورتی، شما لازم است کار را کنار گذاشته و موضوع را بررسی کنید. ممکن است نیاز به دخالت اعضای کلیسا باشد.

امکان دارد مشاور، خود نیز شکست بخورد. خلاف کسانی که پیرو شفا به واسطه ایمان هستند، و دلیل شکست خود را کمبود ایمان طرف می‌شمارند، مشاور مسیحی به شکست خود اعتراف می‌کند. دلایل بسیاری برای شکست مشاور وجود دارد، و اینجا امکان صحبت راجع به همه نیست. جزوه ای بنام "پنجاه دلیل شکست مشاوره" تهیه کرده ام، و می‌توانید آن را از کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" و در قسمت ضمائم، بدست آورید. این جزوه هم می‌تواند در زمان شکست مفید واقع شود، و هم برای جلوگیری از آن. اگر هر هفته مطالعه شود ممکن است پس از مدتی حفظ بگردد.

شکی نیست که مشاور نهایتاً به دلیلی شکست خواهد خورد، اما همیشه امکان جبران آن نیز وجود دارد. راه این است که به متقاضی اعتراف کنید که به چه دلیل شکست خورده اید، و بگوئید که حال آنچه باید قبلاً انجام می‌دادید را انجام خواهید داد، و سپس آن را آغاز کنید. این بازگو کردن حقیقت تلخ، معمولاً نتیجه مثبتی را بجای می‌آورد. گول نزنید. متقاضیان ممکن است خیلی چیزها را ندانند، ولی امکان عجیبی در شناخت بهانه و گول زدن‌ها دارند. گذشته از این، گول زدن و بهانه تراشی از حقیقت بدور است و بی‌حرمتی به خدا است. شما خطا پذیر هستید، و نتیجتاً ممکن است با شکست نیز مواجه بشوید. علاوه بر این، با گفتن حقیقت به متقاضی، درسی به او داده اید. او با چشمان خود شاهد غیرت و فروتنی حق خواهد بود، و اگر خدا بخواهد، باعث ایجاد گشایش در او نیز خواهد شد.

زمانی نیز پیش می‌آید که هر دو مشاور و متقاضی شکست می‌خورند. این موضوع معمولاً در جلسه ششم یا قبل از آن آشکار می‌شود. در چنین مواقعی (۴۰ شبانه روز پس از آغاز مشاوره (۳)) اگر تغییری ایجاد نشده باشد، من دست از کار برمیدارم و می‌گویم، "حال شش هفته است که مشاوره را آغاز کرده ایم، و معمولاً در این مدت باید به نقطه عطف رسیده باشیم. حال که نرسیده ایم، حتماً اشکالی در کار وجود دارد. بهتر است مشاوره را متوقف کنیم و ببینیم اشکال از من است یا شما، و یا هر دو". این حرف معمولاً تاثیر بر متقاضی گذاشته و به شما خواهد گفت نظر او راجع به اشکال کار چیست، و معمولاً نظرش صحیح است. چون شما خود را جزء اشتباه‌کنندگان شمرده اید، او تمایل بیشتری برای بازگو کردن اشتباهات خود خواهد داشت. همچنین، امکان آن را به شما می‌دهد تا ببینید آیا بیش از حد ملایم و ملاحظه کار بوده اید، یا از گفتن حقیقت بیم داشته اید. به شما کمک خواهد کرد آنچه نادیده گرفته اید را شناسایی کرده و روی آن کار کنید. به عبارت دیگر، برآورد کار در چنین موقعیتی استفاده زیادی را خواهد داشت.

از طرفی نیز ممکن است حقیقتاً شکست ایجاد نشده، بلکه مورد مشاوره پیچیده می باشد، یا متقاضی با کندی حقیقت را درک می کند یا از آن استفاده نمی کند. در این صورت، صبر و پافشاری لازم خواهد بود. بطور کل، موضوع شکست را باید با تحقیق کامل بررسی کرد. همیشه دلیل آن اشکال در مشاوره نیست، و حتی اگر اینطور باشد در اکثر مواقع امکان جبران آن وجود دارد.

فهرست زیر نویس های فصل پنجم

- (۱) احتمالاً، اعضای کلیسا را نیز اغفال کرده بود (موردی که در کتاب عبرانیان باعث بحث بی ایمانان در کلیسا گردید).
- (۲) به این طریق ثابت و مسلم می گردد: (۱) ادعای مخالفت و بی ایمانی به عیسی مسیح؛ (۲) انکار عمدی خواست و اراده خدا، که نهایتاً منجر به انضباط کلیسا و شاید اخراج از کلیسا گردد (اول قرننیان ۵: ۱۳)؛ (۳) خود کلیسا را ترک می کند (اول یوحنا ۲: ۱۹). تمام این وقایع از رابطه با کلیسای عیسی مسیح سرچشمه می گیرند؛ هیچ کسی خود نمی تواند عضو کلیسائی را بی ایمان خطاب کند. او می تواند شک داشته باشد، هشدار بدهد، خواستار رسیدگی باشد، اما تنها کلیسا است که قدرت بی ایمان شمردن عضوی را دارد.
- (۳) در کلام خدا، ۴۰ بنظر نقطه عطفی را بازگو می کند.